نظام‌های معنایی و نزاع‌های فکری عصر صفوی (بخش دوم)

اقبال ایرانیان به تشیع پیش از تشکیل صفویه

مهدی فدایی‌مهربانی
استادیار دانشگاه تهران

در مقاله قبل گفته شد این تصور که «علمای شیعی که عمدتا از مناطق جبل‌عامل آمدند، عامل شیعی گردانیدن ایران بودند»، بیش از حد تصوری خام است. اگر اقدامات شیعه‌گرایانه برخی خان‌های مغول نظیر غازان‌خان و شیعه شدن اباقاخان (مقتول به سال ۶۸۸) و اولجایتو[1] (حکومت: ۷۱۶-۷۰۳) در دوره ایلخانان (رک: اقبال‌آشتیانی، ۱۳۷۶: ۳۱۶) را کنار بگذاریم، حقیقت این است که گرایش ایران به سوی تشیع، پیش از صفویه یعنی از زمان تیموریان و ترکمانان جدی شده بود. از زمانی که به گزارش میرخواند، بایزید بسطامی نزد سلطان حسین بایقرا (۹۱۱-۸۷۵ ه. ق) آمده و با خود کتابی متعلق به زمان سنجر سلجوقی درباره مرقد علی(ع) آورد (میرخواند، ۱۳۳۹: ۹۲)، می‌توان شاهد گرایش به سمت رسمی کردن تشیع در ایران بود.

او تصمیم گرفت تشیع را دین رسمی اعلام کند و برای این کار خطبه و سکه به نام ائمه اثنی‌عشر ساخت. اما با مخالفت مخالفان سنی‌مذهب، تقیه کرده و از کار خود صرف‌نظر کرد. (خواندمیر، بیتا: ۱۳۶) گویا اقدام سلطان حسین بایقرا باعث توهین به عالم شیعی میرسیدعلی قاینی که بر منبر وعظ بوده، شده و «وی را از منبر به زیر کشیده، انواع اهانت کردند.»[2] (غفاری قزوینی، ۱۳۴۳: ۲۶۷) نظیر همین اهانت را به حاجی محمد خبوشانی کردند که در خراسان رساله علم‌الهدی از تالیفات شیخ شهاب‌الدین سهروردی را تدریس می‌کرد و این امر بر فقهای خراسان گران آمد؛ زیرا خبوشانی مریدان بسیار داشت و تدریس رساله علم‌الهدی می‌توانست مردم بسیاری را به تشیع درآورد. سرانجام با وساطت محمدیوسف هروی‌رازی، خبوشانی از کشته شدن نجات یافت. (ترکمنی‌آذر، ۱۳۸۳: ۳۲۸-۳۲۹)

در عصر ترکمانان نیز، گرایش‌های شیعی در تبریز چشمگیر بود. رقابت قدرت میان دو گروه آق‌قویونلوها (صاحب گوسفندان سفید) و قراقویونلوها (صاحب گوسفندان سیاه) بود. اولی سنی‌مذهب و در آمد در دجله علیا (دیار بکر فعلی) ساکن بودند، اما دومین طایفه در ناحیه ارجیش (در کرانه دریاچه وان) مستقر بودند و به تشیع گرایش داشتند. درنهایت قرایوسف (۸۲۳-۸۱۰ ه. ق) امیر قراقویونلوها که دارای تمایلات شیعی بود، تبریز را به‌دست آورده، حکومت قراقویونلوها را بنیان گذارد.

با این وجود سابقه گرایش مردم آذربایجان و تبریز به تشیع، به زمان اولجایتو بازمی‌گشت که مرکز حکومت ایلخانان مغول بود و با تصمیم وی به رسمی کردن تشیع، زمینه مناسبی برای گروش به تشیع از سوی تبریزیان فراهم شده بود. (رک: طهرانی، ۱۳۵۶: ۸۹)

در عراق با ورود ابوالعباس احمدبن فهد الحلی به دربار اسپندمیرزا، پسر قرایوسف -که اولین فرد از این خاندان بود که رسما به تشیع درآمد- مقدمات گسترش معرفتی تشیع فراهم شد.[3] او با حضور در مجالس مناظره با علمای اهل سنت، برحق بودن تشیع را به اثبات می‌رساند و از این طریق تغییر کیش بسیاری را موجب شد. اسکندرمیرزا که جانشین قرایوسف شد نیز گرایش‌های شیعی داشته است. اما در زمان جهانشاه (حکومت: ۸۷۲-۸۴۱ ق)، قراقویونلوها حکومتی شیعه بودند. در عین حال در این دوره شاهد نوعی تساهل مذهبی هستیم؛ در پشت سکه‌های دوره حکومت جهانشاه که روی آن منقش به عبارت شیعی «علی ولی‌الله» بوده، اسامی دیگر خلفای راشدین نیز ذکر شده بود. (مزاوی، ۱۳۶۳: ۱۴۴) تساهل مذهبی- البته با گرایش‌های شیعی- در زمان جهانشاه، زمینه گروش به تشیع در ایران بود. اما برخلاف سکه‌هایی که به لحاظ جغرافیایی گستره بیشتری را پوشش می‌داد، اقدامات فرهنگی جهانشاه در محدوده متمرکزتر تبریز، حاکی از تشیع وی بود. در زمان او مسجد کبود در تبریز به سال ۸۷۰ ه. ق بنا شد که در آن نام خلفای راشدین دیده نمی‌شود، اما با عبارت علی ولی‌الله و اسامی حسنین مزین شده است. (رک: میرجعفری، ۱۳۷۵: ۳۲۹)

در اواخر قدرت قراقویونلوها، گروه دیگر آق‌قویونلوها که به تسنن نزدیک بودند، قدرت یافته و در سال ۸۷۳ با سپاه اوزون‌حسن حکومت را به‌دست گرفتند. با این وجود چندان شاهد سختگیری از سوی آنها علیه شیعیان نیستیم و به بیان بسیاری از محققان، نوعی آشتی میان تشیع و تسنن شکل گرفته بود. نمونه‌ای از آشتی مذهبی در این دوره، در ورود شیخ صفی‌الدین شافعی مذهب به محضر درس شیخ زاهد گیلانی شیعی مذهب تجلی دارد (ترکمنی‌آذر، ۱۳۸۳: ۳۳۳) که بعدها داماد و جانشین وی نیز شد.

ایلخانان و وزرای اعظم آنها «در مقابل شیخ صفی‌الدین کرنش می‌کردند و همین کار را آل جلایر نسبت به شیخ صدرالدین انجام می‌دادند و تیمور و اعقاب او هم به خواجه علی کرنش می‌کردند. این احترام بیش از حد نسبت به این طریقت و شیوخ آن در قرن پانزدهم (هشتم هجری) در خلال دوره سلسله‌های بعدی قراقویونلو و آق‌قویونلو همچنان ادامه یافت.» (مزاوی، ۱۳۶۳: ۱۲۹)

اما در پی اظهار آشکار تشیع از جانب شیخ حیدر، «روابط او با خاندان آق‌قویونلو به تیرگی گرایید و یعقوب بیگ (۸۹۶-۸۸۳ ه. ق)، سلطان سنی‌مذهب آق‌قویونلوها، شیخ حیدر را که همسر خواهرش نیز بود، به قتل رسانده و خواهر و خواهرزادگانش را در فارس محبوس ساخت.» (ترکمنی‌آذر، ۱۳۸۳: ۳۳۶) پس از یعقوب بیگ، جانشین وی رستم بیگ آق‌قویونلو (۹۰۲-۸۹۷ ه. ق) با شیعیان سهل گرفت و همسر شیخ حیدر را به بهانه اینکه «ذریه رسول خدا هستند» (حسینی فسایی، ۱۳۶۷: ۳۵۶) از زندان آزاد کرد. اما در زمان سلطان مراد آق‌قویونلو (۹۰۸-۹۰۳ ه. ق)، که همزمان با او الوند میرزای آق‌قویونلو بر بخشی از ایران حاکم بود، بر شیعیان سخت گرفتند و نشانه‌های تزلزل آنها هم هویدا بود.

این وضعیت باعث مهاجرت خانواده شیخ حیدر، خاصه دو فرزند وی ابراهیم و اسماعیل به گیلان شد. اسماعیل میرزا در گیلان تحت تربیت سیدعلی کیا قرار گرفت که شاگردی نزد سیدقوام‌الدین مرعشی کرده بود. خاندان آل کیا خاندان محترم شیعی‌مذهبی بودند که اسماعیل میرزا را گرامی می‌داشتند. (رک: شیبانی، ۱۳۴۶: ۷۲) همچنین اسماعیل میرزا در لاهیجان به نزد مولانا شمس‌الدین لاهیجی، دروس قرآن آموخت. (ترکمان، ۱۳۵۰: ۲۶) محیط شیعیانه آن منطقه و سلوک رفتاری خاندان مرعشی و آل کیا، قطعا شخصیت مصمم اسماعیل میرزا را برای نهضتی فراگیر جذب خود کرده است. (See to: Bosworth, 1991: ۵۱۰)

علاوه‌بر این، شمس‌الدین لاهیجی و میرنجم زرگر از زمان حرکت از گیلان تا جلوس او به تخت شاهی و پس از آن، وی را همراهی کردند. (ترکمنی‌آذر، ۱۳۸۳: ۳۴۰) گزارش مولف تاریخ عالم‌آرای صفوی نشان می‌دهد حرکت اسماعیل میرزا و همراهان وی، حرکتی اعتقادی بوده است. به هنگام خروج وی از گیلان، حرکت او با مخالفت‌های الوند میرزا آق‌قویونلو مواجه می‌شود و اسماعیل در جواب وی می‌نویسد: «مرا داعیه سلطنت و جهانگیری نیست و می‌خواهم دین آبا و اجداد و حضرات ائمه معصومین علیهم‌السلام را رواجی بدهم و تا جان داشته باشم، در راه دین مبین شمشیر بزنم که تا حق به مرکز خود قرار بگیرد.» (عالم‌آرای صفوی، ۱۳۶۳: ۶۲) از اینجا به بعد باز می‌گردیم به رسمی شدن تشیع از سوی اسماعیل در روز تاج‌گذاری؛ پیشینه تحولات جامعه ایران در دوره‌های قبل حاکی از آن است که برخلاف بسیاری که معتقدند تشیع در ایران با روی کار آمدن صفویان از اقبال برخوردار شد، در دوره‌های مختلفی شاهد گرایش به سوی تشیع و رسمی کردن آن بوده‌ایم. اسماعیل به هنگام رسمی اعلام کردن تشیع با مخالفت آق‌قویونلوهای سنی‌مذهب مواجه بود. برخی اطرافیان شاه وی را برحذر داشتند که «اکثریت تبریز مذهب تسنن دارند» (روملو، ۱۳۵۷: ۸۵) و این کار ممکن است خطرناک باشد. اما اشاره شاه اسماعیل به رویایی است که از حضرت علی نقل می‌کند و خود را مأمور به این کار می‌خواند. (عالم‌آرای صفوی، ۱۳۶۳: ۶۴)

با این حال گفته‌های اسماعیل، نافی اعتراضات در تبریز نبود. به همین جهت روز جمعه شاه به مسجد جامع تبریز رفته «بر فراز منبر رفت و شمشیر جهانگیری برهنه کرد.» صدای اعتراض مردم با دیدن شاه اسماعیل به سکوت تبدیل شد. (ترکمنی‌آذر، ۱۳۸۳: ۳۴۲) پس از این نیز تقریبا با هیچ‌گونه قیام مسلحانه ضدشیعی در ایران مواجه نیستیم، اما در عوض ردیه‌نویسی در میان علمای شیعه و سنی همچنان ادامه داشت. اگر بدانیم که این آتش چند قرن پیش از صفویان شعله‌ور شده بود، می‌توان درک کرد که صفویان چندان هم نیامدند که عالَم را شیعه کنند؛ آنها تنها تشیع را رسمی کردند. مطالعه تاریخ برخی ردیه‌نویسان قرون پیشین که جعفریان به آنها اشاره کرده است حاکی از آن است جنگ شیعه و سنی در ایران بسیار جدی بوده است. مهم‌ترین ایشان شیخ یوسف‌بن مخزوم منصوری واسطی اعور، کتابی با نام «الرساله المعارضه فی الرد علی الرافضه» نوشت و مولی نجم‌الدین خضربن شیخ محمدبن علی رازی حلبرودی از علمای قرن نهم، کتابی با عنوان «التوضیح الانور بالحُجج الوارده لدفع شُبه الاعور»[4] در رد او نوشت. کتاب دیگری با عنوان «الانوار البدریه فی الرد الشبه القدریه»[5] در سال ۸۴۰ توسط عزالدین حسن‌بن شمس‌الدین محمدبن علی مهلبی حلبی در رد همان کتاب تالیف شد. همچنین در قرن هشتم کتابی با عنوان «الانصاف فی الانتصاف لاهل الحق من اهل الاسراف» در رد ابن‌تیمیه و کتاب «منهاج السنه» وی نوشته شد. کتاب ضدشیعی دیگر این عصر «المقتبس» است که عالم شیعی شیخ‌علی بن هلال بن عیسی بن محمد بن فضل «الانوار الجلالیه لظلام الغلس من تلبیس مولف المقتبس» را در رد آن نگاشت. ملاعلی قاری در رد شیعه کتب «السلاله فی ذم الروافض من اهل الضلاله» و «شم العوارض فی ذم الروافض» را نوشت. علی‌بن احمد هیتمی نیز کتاب «السیف الباتر فی ارقاب الشیعه و الرافضه الکوافر» و برزنجی کتاب «النواقض فی الرد علی الروافض» را نگاشتند؛ کتاب دیگری با همین نام از معین‌الدین موجود است. کتاب دیگری با عنوان «رساله فی تکفیر الشیعه الاردبیلیه و غیرهم من الفرق الضاله الروافض» از محی‌الدین محمدبن لطف‌الله بیرامی برسوی رومی (متوفای ۹۵۶) نوشته شده است. افندی از کتاب دیگری با عنوان «کشف الغطاء من سرائر ما اخفاه اهل الضلال» اثر شیخ عبدالله‌بن فارس‌بن احمد تازی قرشی مالکی یاد کرده است. ابوحامد محمد المقدسی نیز در «الرد علی الرافضه» به تفصیل در کفر شیعه سخن رانده است. و نیز می‌توان به کتاب معروف «الصواعق المحرقه فی الرد علی اهل البدع والزندقه» ابن حجر هیتمی اشاره کرد که آن را در رمضان سال ۹۵۰ هجری مکه تدریس می‌کرده است و دلیل آن را «لکثره الشیعه و الرافضه و نحوه ما الان بمکه المشرفه اشرف بلاد الاسلام» عنوان کرده است. دو اثر در رد این کتاب نوشته شد؛ یکی «الصوارم المهرقه» از قاضی نورالله شوشتری (م ۱۰۱۹) و دیگری «البحار المغرقه» از احمدبن محمدبن لقمان (م ۱۰۲۱). از دیگر آثار ضدشیعی که در سرزمین عثمانی نگاشته شد، عبارتند از «رساله فی مذهب الرفض و التشیع و ذکر قبح اعتقاداتهم و افعالهم و اقوالهم»، «درها الموحدین و رده الملحدین (فی الرد علی ملحدی اردبیل)» و «سیف [علی] الرافضین» که اثر سیدعلی‌بن سیدابراهیم‌بن سید مصطفی الدیدرکی است که در ۱۱۲۷ نوشته شده و در آن در مورد شیعیان آورده: «جایز است زنان آنان به کنیزی گرفته شده و مردان‌شان فروخته شوند.» (رک: جعفریان، ۱۳۸۹، ج ۱: ۷۰-۶۷)

از این میان تاثیرگذارترین آثار علیه تشیع را فضل‌الله‌بن روزبهان خنجی (متوفی ۹۲۷) نگاشت. او که شاگرد جلال‌الدین دوانی بود، به لحاظ روش فکری کاملا با اسلوب اشراقی دوانی متفاوت بود. اصلی‌ترین کتاب وی در رد شیعه «ابطال نهج‌الباطل» بود که ردیه‌ای بر کشف‌الحق و نهج‌الصدق علامه حلی بود. او با زیرکی این کتاب را در سال ۹۰۹ یعنی مقارن با جلوس شاه اسماعیل بر سلطنت نوشت.[6]

> **پیشینه تحولات جامعه ایران در دوره‌های قبل حاکی از آن است که برخلاف بسیاری که معتقدند تشیع در ایران با روی کار آمدن صفویان از اقبال برخوردار شد، در دوره‌های مختلفی شاهد گرایش به سوی تشیع و رسمی کردن آن بوده‌ایم**

در کتاب سلوک‌الملوک نیز با صفویان در افتاد و از آنان بدگویی کرد. این کتاب را «نوعی احکام‌السلطانیه جدید» خوانده‌اند. (رک: همان: ۷۳) نظیر همین بدگویی‌ها علیه شیعه و صفویان را در دو اثر دیگر خنجی «عالم‌آرای امینی» و «میهمان‌نامه بخارا» می‌یابیم. در میان شیعیان قاضی نورالله شوشتری در «احقاق‌الحق» و در دوران اخیر محمدحسن مظفر در «دلایل‌الصدق» پاسخی بر خنجی نگاشتند. او از مهم‌ترین مخالفان صفوی بود که علاوه‌بر کتب مذهبی، با نگارش تاریخ صفویان، چهره‌ای زشت از صفویان برای آینده نیز رقم زد؛ به همین جهت وی از مهم‌ترین مخالفان صفوی در این عصر است، چه هم در عرصه اعتقادی و هم در عرصه تاریخ‌نگاری به مبارزه با صفویان برخاست. نقش وی را از این جهت می‌توان با احمد کسروی در دوران اخیر مقایسه کرد.[7]

البته او همزمان با پیروزی صفویان از آذربایجان به اصفهان آمد و از آنجا به خراسان و ماوراءالنهر گریخت و خود را به‌طور کامل در اختیار ازبک‌ها قرار داد. وی این خودفروشی را ادامه داده و ضمن تکفیر و حکم قتل صفویان، «زیر عَلَم حضرت امام زمان و خلیفه‌الرحمان» یا محمدخان شیبانی خدمت کرد. (خنجی، ۱۳۵۵: ۴۵) او در منازعات ایران و عثمانی همواره جانب عثمانی را داشت و به مناسبت پیروزی سلطان سلیم در جنگ چالدران این‌گونه سرود:

اگر ملک شریعت مستقیم است/همه از دولت سلطان سلیم
است/ز بیمت در تزلزل فارس و ترک/چو افکندی زسر تاج قزل
بُرک[8]/قزل بُرک است همچون مار افعی/سرش را تا نکوبی نیست
نفعی/(خنجی، ۱۳۶۲: ۱۶) شخصیت روزبهان خنجی یکی از تاثیرگذارترین افراد این دوره بوده که قطعا آتش دعوای شیعه و سنی را بیشتر شعله‌ور می‌کرده است. با این وجود بعید به نظر می‌رسد بتوان وی را آن‌گونه که برخی پنداشته‌اند، «بزرگ‌ترین نماینده اندیشه سیاسی دوره صفوی» (طباطبایی، ۱۳۸۳: ۲۱۹) دانست. سوی دیگر طیف شیعه‌ستیزان، فعالیت‌های قزلباشان و مروجان تشیع نیز در این دوره بسیار تاثیرگذار بود. در دوره صفویه گروهی که به تبرائیان معروف بودند، در کوچه و بازار می‌گشتند و لعن و طعن بر برخی افراد و اعدای حضرات اثنی‌عشر می‌کردند. مردم نیز با شنیدن این لعن‌ها باید با صدای بلند «بیش باد و کم مباد» می‌گفتند. در اثنای یکی از همین تبراجستن‌ها در بغداد، داستان جالبی اتفاق می‌افتد؛ قاضی شهر که وارد شهر شد و «شنید شیعه را که چون بر یزید لعن کنند، جمع دیگر گویند «بیش باد و کم مباد». قاضی به حاکم بغداد دستور مجازات داد. حاکم به قاضی گفت: مجازات چرا؟ لعن بر یزید است. قاضی توضیح داد که بیش به معنای پنج است (در زبان ترکان) و شیعه چون لعن بر یزید شنوند، گویند: پنج‌بار، یعنی بر فلانی‌ها و یزید. چنان که در زیارت خود نیز گویند: «والعن یزید بن معاویه خامسا». دستور قاضی از این پس اجرا می‌شد. (جعفریان، ۱۳۸۹، ج ۱: ۳۴) در این وقت صائب تبریزی که در بغداد بود و عزم زیارت عتبات داشت، شعری با این مطلع سرود: «قاضی بغداد حکمی کرده می‌باید شنید/ تا که او باشد نباید کرد لعنت بر یزید». (نسخه شماره ۶۲۹ مجلس) چنانکه مشخص است و صائب آن را با ظرافت به تصویر کشیده است، گرچه وقتی این مجادلات از رسالات علمی به جامعه کشیده می‌شد وجه فکری نداشت، اما به هرحال جامعه ایران را در این دوره درگیر می‌کرده است. همه این درگیری‌ها وجهی از تشیع ایرانیان در مقابل اهل سنت بوده است.

تشیع آوردن ایرانیان در این عصر جدای از منازعات شیعه و سنی، وجوه پیچیده دیگری نیز داشته است. نمی‌توان در مقدمات گسترش تشیع در ایران، از تاثیر جریانی مذهبی که به «تسنن دوازده امامی» اشتهار دارد، غفلت کرد. این گرایش حتی پیش از صفویان در برخی نقاط ایران و ماوراءالنهر وجود داشته است. در یزد پیش از صفوی، قاضی این شهر کمال‌الدین حسین میبدی (م ۹۰۹) شخصیتی سنی‌مذهب بود که صاحب شرحی بر دیوان منسوب به امیرمومنان علی‌بن ابی‌طالب بود و به مکتب عرفانی ابن‌عربی تمایل داشت. او همزمان معتقد به مذهب تسنن و ولایت امامان دوازده‌گانه بود. وی یکایک امامان و درنهایت، غیبت و مهدویت امام زمان(ع) را تایید کرده است. (رک: میبدی، ۱۳۷۹: ۲۱۰-۲۰۱)

پی‌نوشت‌ها:

۱. با این اقدام اولجایتو، علامه حلی و پسرش فخرالمحققین که هردو از علمای بزرگ شیعه‌اند نزد وی آمدند و علامه حلی دو کتاب خود به نامه‌ای نهج‌الحق و کشف‌الصدق و منهاج الکرامه فی باب الامامه را به سلطان هدیه کرد. (اقبال‌آشتیانی، ۱۳۷۶: ۳۱۶/ شوشتری مرعشی، ۱۳۲۰: ۲۰۴) ابن‌تیمیه (متوفی ۷۲۸) در رد منهاج‌الکرامه کتابی نگاشت به نام منهاج‌الاعتدال فی نقض کلام اهل الرفض و الاعتزال که در چهار جلد به سال ۱۳۲۱ در مصر چاپ شده است. کامل مصطفی الشیبی ضمن اشاره به تسامح مذهبی علامه معتقد است «در برابر این عدم‌تعصب بزرگ منشانه از جانب علامه حلی، ابن‌تیمیه [سنی] قرار داشت که برای مخالفت با علامه، دائم مترصد فرصت می‌بود» و در ردیه‌اش «در بسیاری از موارد به ستم داوری کرد و احادیث واقعی- و شاید ضعیف- را که وی نقل کرده بود، به کلی ساختگی خواند. و این مخالف‌خوانی را بدانجا رساند که ابن‌مطهر [حلی] را ابن‌منجس نامید. (الشیبی، ۱۳۸۰: ۱۰۸)

۲. قرائت‌های متفاوتی از این جریان را می‌توانید ببینید در: (تتوی، ۱۳۷۸: ۱۸۸ و اسفزاری، ۱۳۳۹: ۳۲۹) مولف گمنام عالم‌آرای شاه اسماعیل نیز اقدام سلطان حسین بایقرا در جهت رسمی کردن تشیع را بیان کرده و به نامه‌ای از او به شاه اسماعیل اشاره کرده که او درصدد بوده تشیع را مذهب رسمی اعلام کند، اما نتوانسته: «این توفیق نصیب این مخلص نشد و این قوت از جانب حق تعالی به آن شهریار رسید. الحمدلله که به این توفیق رسیدی و به رواج مذهب امامیه بحق سعی نمودی.» (عالم‌آرای شاه اسماعیل، ۱۳۴۹: ۱۴۴)

۳. البته نباید از نقش علمای قدیم شیعه در گسترش تشیع غفلت کرد. خاصه شیخ مفید، شیخ طوسی، شیخ طبرسی و شیخ کلینی که علمای بنیانگذار دانش فقهی شیعه‌اند. تاکید ما بر علمایی است که در سال‌های پیش از روی کار آمدن صفویان، رسمی شدن تشیع را تسهیل کردند.

۴. نسخه‌ای از آن در کتابخانه آستان قدس به شماره ۳۹۸ موجود است. و نسخه‌ای دیگر در کتابخانه امیرالمومنین(ع) در نجف اشرف که تاریخ تالیف آن سال ۱۰۰۱ ذکر شده است.

۵. موجودی‌های این نسخه عبارتند از: نسخه کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی قم به شماره ۱۸۰۲ و نسخه کتابخانه ایندیا آفیس به شماره ۲۱۵۱.

۶. البته کتابی با عنوان وسیله‌الخادم الی المخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم منسوب به خُنجی وجود دارد که آن را می‌توان اثری سنی با گرایش‌های شیعی دانست.

۷. جالب اینجاست که یکی از علایق کسروی هم خاندان صفویان و نفی سیادت آنها بود.

۸. در زبان آذری «بُرک» به معنای کلاه است.

از آثار عکاس: عکاس

فهرست منابع:

۱. ترکمنی‌آذر، پروین، تاریخ سیاسی شیعیان اثنی‌عشری در ایران، قم، موسسه شیعه‌شناسی، ۱۳۸۳
۲. اقبال‌آشتیانی، عباس، تاریخ مغول و اوایل ایام تیموری، تهران، نشر نامک، ۱۳۷۶
۳. خواندمیر، غیاث‌الدین همام‌الدین الحسینی، تاریخ حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر، ج ۴، تهران، انتشارات خیام، بیتا
۴. الشیبی، مصطفی کامل، تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۰
۵. شوشتری مرعشی، قاضی نورالله، مجالس المومنین، تهران، بیجا، ۱۳۲۰
۶. تتوی، قاضی احمد و اصف‌خان قزوینی، تاریخ الفی، تصحیح سیدعلی آل داوود، تهران، انتشارات فکر روز، ۱۳۷۸
۶. اسفزاری، معین‌الدین محمد زمچی، روضات‌الجنات فی اوصاف مدینه هرات، با تصحیح و حواشی و تعلیقات محمد کاظم امام، بخش دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۹
۷. عالم‌آرای شاه اسماعیل، مولف گمنام، مقدمه و تصحیح و تعلیق از اصغر منتظم صاحب، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹
۸. طهرانی، ابوبکر، کتاب دیار بکریه، تصحیح و اهتمام نجاتی لوغال و فاروق سومر، مقدمه و حواشی فاروق سومر، تهران، انتشارات طهوری، ۱۳۵۶
۹. مزاوی، میشل، پیدایش دولت صفوی، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر گستره، ۱۳۶۳
۱۰. میرجعفری، حسین، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۵
۱۱. میبدی، کمال‌الدین میرحسین قاضی یزدی، شرح دیوان منسوب به امام علی علیه‌السلام، به کوشش حسن رحمانی، سیدابراهیم اشکشیرین، تهران، موسسه میراث مکتوب، ۱۳۷۹
۱۲. حسینی فسایی، حسن، فارس‌نامه ناصری، ج یک، تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسایی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷
۱۳. شیبانی، نظام‌الدین مجیر، تشکیل شاهنشاهی صفویه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۶
۱۴. ترکمان، اسکندربیک، تاریخ عالم‌آرای عباسی، به کوشش ایراج افشار، ج یک، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۰
۱۵. عالم‌آرای صفوی، مولف گمنام، به کوشش یدالله شکری، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۳
۱۶. روملو، حسن‌بیک، احسن‌التواریخ، ج ۱۲، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، انتشارات بابک، ۱۳۵۷
۱۷. جعفریان، رسول، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج یک، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹
۱۸. خنجی، فضل‌الله‌بن روزبهان، میهمان‌نامه بخارا، به اهتمام منوچهر ستوده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۵
۱۹. طباطبایی، سیدجواد، درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، تهران، نشر کویر، چاپ هفتم، ۱۳۸۳
20. Bosworth, c. e, e. van Donzel, b. Lewis and ch. Pellat, the Encyclopedia of Islam, (under the patronage of the international union of academies) vol 6, Leiden, E. J. Brill, 1991

آگهی مزایده عمومی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا در نظر دارد انتشارات دانشجویی خود را از طریق مزایده عمومی به صورت اجاره یک ساله به افراد واجد شرایط واگذار نماید. متقاضیان می‌توانند ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ درج آگهی جهت بازدید از محل و دریافت اسناد مزایده و ارائه قیمت پیشنهادی به حوزه اداری دانشگاه واقع در مجتمع آموزشی شماره یک مراجعه نمایند. ضمنا هزینه درج آگهی به عهده برنده مزایده می‌باشد.

روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا

دانشنامه تحصیلی اینجانب فهیمه فهیمی‌راوری فرزند محمود به ش. ش ۱۵۵ در رشته مهندسی معماری در مقطع کارشناسی ارشد پیوسته صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از یابنده تقاضا می‌شود گواهینامه مذکور را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان به آدرس ذیل ارسال نمایند. کرمان- بزرگراه امام علی (ع)- دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان- اداره فارغ‌التحصیلان.

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب محمد دامن‌سوز فرزند هادی به شماره شناسنامه ۰۰۱۴۴۶۷۸۷۹ صادره تهران در مقطع کاردانی پیوسته رشته کامپیوتر صادره از واحد دانشگاهی کرج با شماره ۱/۱۵۱۹۸۴ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج به نشانی کرج، رجایی‌شهر، انتهای بلوار موذن ارسال نماید.

آگهی مناقصه عمومی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوکان در نظر دارد اجرای کلیه امورات مربوط به طبخ و توزیع غذا در محل سلف‌سرویس دانشگاه را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکاران و شرکت‌های واجد شرایط واگذار نماید. لذا از کلیه شرکت‌های دارای موضوع اساسنامه و فعالیت‌های مرتبط، دعوت می‌شود جهت خرید اسناد مناقصه با در دست داشتن آخرین رتبه‌بندی و رزومه کاری به امور مالی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوکان مراجعه نمایند. میزان سپرده یا ضمانت‌نامه شرکت در مناقصه معادل مبلغ ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال طی چک تضمینی رمزدار بانکی می‌باشد. مدت انجام موضوع مناقصه یک سال شمسی است. ضمنا هزینه درج آگهی برعهده برنده مناقصه می‌باشد. کلیه پیشنهادات واصله حداکثر تا مورخ ۹۷/۰۷/۰۱ توسط کمیسیون معاملات دانشگاه بازگشایی و متعاقبا برنده اعلام می‌گردد. حداکثر زمان تحویل اسناد مناقصه توسط امور مالی دانشگاه تاریخ ۹۷/۰۶/۱۸ لغایت ۹۷/۰۷/۰۱ می‌باشد. حداکثر زمان تحویل اسناد مناقصه و قیمت پیشنهادی به امور مالی دانشگاه ۹۷/۰۷/۰۱ می‌باشد. زمان رویت سلف‌سرویس توسط متقاضیان شرکت در مناقصه ۹۷/۰۶/۱۸ لغایت ۹۷/۰۷/۰۱ در وقت اداری می‌باشد. دانشگاه در ردیا قبول پیشنهادات و انعقاد قرارداد مختار است و کلیه پیشنهادات مبهم و مشروط، مردود خواهد بود. شرکت در مناقصه و دادن پیشنهاد به منزله قبول اختیارات و تکالیف دستگاه مناقصه‌گذار است. جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوکان و یا به صورت حضوری به امور مالی دانشگاه مراجعه نمایید.

روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوکان

آگهی مزایده عمومی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوکان در نظر دارد از طریق برگزاری مزایده عمومی، بوفه و انتشارات دانشجویی خود را به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. متقاضیان جهت شرکت در مزایده می‌توانند تا تاریخ انتشار این آگهی حداکثر تا مورخ ۹۷/۰۷/۰۱ حضورا به دانشگاه مراجعه نمایند. برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۰۴۴۴۶۲۸۵۴۰۰ داخلی ۱۱۰ تماس حاصل فرمایید یا به آدرس وب‌سایت www.iau-boukan.ac.ir مراجعه نمایید.

روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوکان

سازمان آگهی‌های روزنامه فرهیختگان
Advertisement`s Organization
تلفن: ۶۶۳۴۸۰۱۸-۶۶۳۴۸۰۴۶ (۰۲۱)
فکس: ۶۶۳۴۸۰۱۷ (۰۲۱)
تماس با ما:
ایمیل: a66348018@gmail.com